

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

9/1/1913



دانشگاه باقر العلوم  
 گروه فلسفه و کلام  
 دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه باقرالعلوم  
 رشته فلسفه و کلام

نظام احسن در حکمت متعالیه  
 پایان نامه کارشناسی ارشد

موسسه باقریه  
 اطلاعات در آن علمی است

استاد راهنما

حجة الإسلام و المسلمین دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور

حجة الإسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۳

دانشجو

سید علی شاه چراغ

۹۸۴۸۶

۱۳۸۵

## فهرست مطالب

۶	..... سپاس
۷	..... چکیده
۸	..... پیش‌گفتار

### فصل اول: کلیات

۱۴	..... تبیین موضوع
۱۶	..... روش پژوهش
۱۷	..... اهمیت موضوع
۱۸	..... پیشینه بحث
۲۰	..... قلمرو و جایگاه بحث نظام احسن
۲۲	..... فرضیات
۲۲	..... واژگان کلیدی

### فصل دوم: نظام احسن در برهان

۲۴	..... مفهوم‌شناسی «نظام»
۲۵	..... بررسی عمیق‌تر واژه «نظم» و «نظام»
۲۷	..... نظم ناشی از علت غایی
۲۷	..... نظام کلی و جزئی
۲۹	..... نظام طولی و نظام عرضی
۳۰	..... مقدمات نظام طولی
۳۰	..... ۱. ضرورت، امکان و امتناع
۳۲	..... ۲. رابطه علت و معلول
۳۲	..... ۳. نیاز ممکن به علت در ایجاد شدن یا باقی ماندن؟
۳۵	..... نظام طولی
۳۸	..... نظام عرضی
۳۹	..... نظام هستی، ذاتی یا قراردادی؟
۴۰	..... چکیده
۴۱	..... مقدمات برهان نظام احسن
۴۲	..... فاعلیت خداوند
۴۵	..... علت غایی

۴۸	قدرت
۵۰	قدرت خداوند
۵۲	علم
۵۴	علم خداوند
۵۴	مراتب علم خداوند
۵۵	عنایت
۵۵	قضا
۵۶	قدر
۵۸	برهان نظام احسن
۵۸	برهان اول: عنایت
۶۱	حکمت
۶۶	برهان دوم: قاعده امکان اشرف
۶۹	چکیده
۷۰	چگونگی نظام هستی از دیدگاه شماری از فیلسوفان غرب
۷۰	۱. گتفرید ویلهلم لایبنیتس
۷۱	۲. نیکولا مالبرانش
۷۴	۳. باروخ (بروخ) اسپینوزا

### فصل سوم: شبهات نظام احسن (شرور)

۷۷	پیش سخن
۸۱	پیشینه و گستره شبهه شرور
۸۲	۱. شکاکان
۸۳	۲. پلوتارک (پلوتارخس) خرنایی
۸۴	۳. دیوید هیوم
۸۶	۴. آرتور شوپنهاور (شوپنهاوئر)
۹۰	۵. جان لسلی مکی
۹۲	چکیده پیشینه و گستره شبهه شرور
۹۴	مفهوم شناسی «خیر» و «شر»
۹۴	خیر از دیدگاه عرف
۹۵	خیر از دیدگاه فیلسوفان
۹۷	وجود
۹۷	واقعیت یا پندار؟
۹۸	تعریف وجود
۹۸	اشتراک معنوی وجود
۹۹	اصالت وجود
۱۰۲	تقسیم وجود به واجب و ممکن

۱۰۳	وحدت تشکیکی وجود
۱۰۴	وجود محض و بسیط
۱۰۵	چکیده مفهوم شناسی واژه «خیر»
۱۰۷	شرّ از دیدگاه عرف
۱۰۹	شرّ از دیدگاه فیلسوفان
۱۱۴	مطلق و نسبی بودن شرّ
۱۱۶	کدامین عدم، شرّ است؟
۱۱۷	دلیل عدمی بودن شرّ
۱۱۹	شرّ در رفتار انسان
۱۲۳	تحریر محل نزاع در شبهه شرور
۱۲۷	چکیده مفهوم شناسی واژه «شرّ»
۱۲۸	پاسخ به شبهه شرور
۱۲۹	ثنویه یا دوگانه‌انگاری
۱۲۹	پاسخ به دوگانه‌انگاری
۱۳۱	تضاد عدمی بودن شرّ با شرور محسوس
۱۳۵	تقسیم عقلانی موجودات ممکن از حیث خیر و شرّ
۱۳۶	۱. خیر محضی که هیچ شرّی در او راه ندارد
۱۳۷	۲. خیر کثیر و شرّ قلیل
۱۳۷	۳. شرّ زیاد و خیر کم
۱۳۷	۴. خیر و شرّ مساوی
۱۳۷	۵. شرّ محض
۱۳۷	خیر زیاد و شرّ کم
۱۳۹	آیا برچیدن شرور از عالم طبیعت امکان دارد؟
۱۴۳	چگونگی دخول شرور در قضای الهی
۱۴۶	شبهه شرّ ادراکی
۱۴۹	مسئله شرور از دیدگاه برخی از فیلسوفان غرب
۱۴۹	۱. رواقیان
۱۵۰	۲. افلوپین (فلوپین)
۱۵۱	۳. اسپینوزا
۱۵۲	۴. لایب‌نیتس
۱۵۳	۵. برتراند راسل
۱۵۶	پاسخ به شبهه شرور با رویکرد دینی
۱۵۹	چکیده بحث شرور
۱۶۱	کتابنامه

## سپاس

از همه بزرگوارانی که در به سامان رسیدن این نوشتار نقش داشته‌اند، به ویژه جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود موسوی که زحمت راهنمایی این حقیر را پذیرفتند و جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان که با حسن سلیقه و دقت نظر در رفع کاستی‌های این اثر نقش بسزایی داشتند و نیز مسئولان محترم دانشگاه که با همتی ستودنی بستر فراگیری علم را برای دانش‌پژوهان مهیا کرده‌اند و داوران محترم که زحمت ارزیابی این نوشتار ناچیز را پذیرا شده‌اند سپاسگزاری کرده و از خداوند منان می‌خواهم همه این بزرگواران را در سایه لطف و کرمش حفظ بفرماید.

## چکیده

آنچه در این نوشتار مورد کنکاش قرار می‌گیرد نظام هستی است. اینکه آیا نظام موجود برترین نظام ممکن است و یا نظامی برتر از آن امکان داشته، اما تحقق نیافته است. در فصل اول، کلیات بحث را بیان کرده‌ایم و در فصل دوم، به مفهوم‌شناسی واژه «نظام» و اینکه نظام مورد نظر در این بحث، نظام کلی است و نظم و نظام هستی نظم ناشی از علت غایی است و نظام در دو سطح طولی و عرضی گسترش دارد می‌پردازیم. پس از این، فاعلیت، علم و قدرت خداوند و علت غایی آفرینش را به عنوان مقدمات برهان نظام احسن مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت با اقامه برهان عنایت و قاعده امکان اشرف به اثبات احسن بودن نظام هستی می‌پردازیم. در فصل سوم، «شبهه شرور» که احسن بودن نظام هستی را مورد تردید قرار می‌دهد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در آغاز به مفهوم‌شناسی واژه «خیر» و «شر» می‌پردازیم. خیر آن چیزی است که اشیاء به او شوق دارند و شرّ عدم ذات و عدم کمالی از کمالات یک شیء است. شرّ مورد بحث، عدم نسبی و اضافی، بلکه عدم ملکه است. پس از آن با نگاهی صرفاً عقلانی شبهه شرور را مورد بررسی قرار می‌دهیم و راه‌حل‌های رهایی از این شبهه را بیان خواهیم کرد. در پایان فصل دوم و سوم، برای آگاهی از نظر فیلسوفان غرب درباره نظام هستی و مسئله شرور به بیان نظر چند تن از آنان پرداخته‌ایم.

## پیش‌گفتار

کنکاش در اندیشه بشر از آغاز پیدایش تاکنون می‌نمایاند که اساسی‌ترین پرسش‌هایی که همواره ذهن آدمی را مشغول داشته است، پرسش از واقعیت است؛ اینکه آیا پدیدگان را آن‌گونه که می‌انگاریم، هستند یا پنداری بیش نیستند. اگر واقعیتی هست، چگونه بود شده است. آیا اشیاء بر اثر اتفاق هست شده‌اند یا پدیدآورنده‌ای دارد؟ ویژگی‌های پدیدآورنده چیست؟ و....

بستر این مطالب به اندازه‌ای گسترده است، که هر پاسخی، خود بستر ساز پرسش‌های دیگری است. اندیشه بشر گاه در اثر برخی عوامل، از راه خود منحرف گردیده و پرسش‌هایش به شبهات و مشکلات لاینحل بدل گردیده است و گاه در اثر آموزه‌های دینی بارور گردیده و بسیاری از پرسش‌هایش را به پاسخ رسانده است.

آنچه مهم است این است که اگر در طول تاریخ، آموزه‌های دینی مورد تحریف قرار نمی‌گرفت و انسان‌ها در سایه ادیان به باروری اندیشه و صفای باطن می‌پرداختند، شاید اینک همه انسان‌ها در مسیری زیبا و شفاف به سوی مقصودشان در راه بودند؛ اما با تأسف، اختلاف اذهان به اختلاف ادیان منجر شده و انسان‌ها در گروه‌های گوناگون، راه‌های مختلفی برای حل کردن پرسش‌هایشان پیش گرفته‌اند. بررسی تاریخ اندیشمندان، به خوبی روشن می‌سازد که اگر آدمی بتواند ذهن خود را در فضایی باز و به دور از نفسانیات و تعصبات و پیش‌فرض‌های تحمیلی رها سازد، می‌تواند برای



برخی از پرسش‌های بنیادین خود، پاسخ بیابد. مثلاً دکارت اندیشمند فیلسوف فرانسوی پس از سال‌ها اندیشیدن می‌یابد که سفسطه‌گران در ورطه سقوط غوطه‌ورند و حتی خود را نیز نفی می‌کنند. دکارت گفت: «من می‌اندیشم، پس هستم»<sup>۱</sup> و این اندیشه سنگ زیربنای همه یافته‌های بعدی اوست.

هر چند راهی که دکارت برای رهایی از شک پیش گرفت، راه چندان بی‌عیب و نقصی نیست؛ اما آنچه مهم است گذر از مرحله شک است و از آنجا که مهد شکاکیت و سفسطه‌گری غرب است، گذر دکارت از شک به یقین هرچند با راه نه چندان سالم، ستودنی است. بحث واقعیت‌مداری در شرق به‌ویژه در فلسفه اسلامی تا حدی پذیرفته شده است که آن را بدیهی و بی‌نیاز از برهان می‌دانند. آدمی به علم حضوری خویش را می‌یابد و اگر هر واقعیتی را بتوان انکار کرد، انکار خودِ انکارکننده و شک‌کننده، انکار امر بدیهی و بستن چشم بر روی واقعیت است.

بهره‌گیری صحیح از عقل، بسیاری از انسان‌ها را به اندیشمندی فرزانه بدل کرده است. البته سزاوارترین تحسین‌ها برای اندیشمندانی است که پس از سال‌ها اندیشه آزاد، خدا و دین را پذیرفته و با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، اندیشه‌هایشان را بارورتر کرده‌اند.

---

۱. هر چند این سخن دکارت با برچسب «ابتکاری نو» و «فکری تازه» مبنای فلسفه جدید قرار گرفت، اما ابن سینا در نمط سوم اشارات، سخن دکارت را با نهایت وضوح مطرح و با برهان محکم آن را باطل کرده است.

شهید مطهری در این باره می‌فرماید: اگر فلسفه ابن سینا برای اروپائیان درست ترجمه شده بود، این سخن دکارت مبنای فلسفه جدید قرار نمی‌گرفت. مرتضی مطهری، عدل الاهی، ص ۸۸. در جای دیگر می‌فرماید: «من می‌اندیشم، پس هستم» مخدوش است؛ زیرا هستی هر کس مانند خود اندیشیدن، بدیهی است؛ بلکه بدیهی‌تر است؛ آگاهی از اندیشیدن با اضافه میم (می‌اندیشم) فرع بر آگاهی و شعور به خود است. مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱، ص ۱۲۲ و در همین کتاب، ج ۲، ص ۵۴ عبارت ابن سینا را در ردّ سخن دکارت ذکر کرده است.

افلاطون و ارسطو از یک سو و ابن سینا و شیخ اشراق از سوی دیگر الگوهایی از اندیشه برترند و آن کسی که تا به حال می‌توان او را برترین اندیشمند فرزانه نامید، جناب ملاًصدرا حکیم و عارف و دین‌دار مسلمان است که پس از بهره‌گیری فراوان از برهان و اندیشه‌آزاد، افزون بر باور قلبی خدا و دین را با باوری عقلانی نیز پذیرفت و با استمداد از قرآن و طی مسیر عرفان اندیشه‌ای برتر را به دانش دوستان پیشکش کرد. حکمت جناب صدرا به حق حکمت متعالیه است.

اساسی‌ترین پرسشی که اندیشمندان به آن پرداخته‌اند، پرسش از پدیدآورنده اشیاء و ویژگی‌های اوست. در فلسفه غرب و شرق به‌طور گسترده مورد بحث قرار گرفته و بسیاری از اندیشمندان ثابت کرده‌اند که اشیاء آفریننده دارند.

در بحث ویژگی‌های آفریننده، مهم‌ترین پرسشی که حتی ادیان (در وضعیت موجود) نیز آن را دامنه‌دارتر کرده‌اند، بحث یگانگی یا چندگانگی آفریدگار است. متفکران مسیحی تحت تأثیر دین تحریف شده‌شان به تثلیث معتقد شده‌اند و مسلمانان در پرتو آموزه‌های دینی توحید را پذیرفته‌اند و آفریننده را یکتا می‌دانند. ویژگی دیگر این آفریننده، علم و حکمت است که فلاسفه اسلامی بالاترین درجه علم و حکمت را برای آفریننده می‌دانند. ویژگی‌ها و صفات آفریدگار را به دو قسم تقسیم می‌کنند ثبوتیه و سلبيه. برخی از صفات ثبوتیه، ذاتی آفریدگار است و برخی از مقام فعل انتزاع می‌شود.

آنچه در اندیشه فلاسفه اسلامی مورد پذیرش همه آنهاست این است که اشیاء آفریننده‌ای (علتی) یگانه که عالم و حکیم و عادل است دارد و هدف او از آفرینش جهان هدفی خارج از ذات خود نیست. چون او کامل مطلق است و همه کمالات عین ذات اوست و هیچ کمالی نیست که او برای کسب آن کاری انجام دهد. پس او آفریده نه برای کسب کمال و رفع نقصان، بلکه برای فیض رساندن به آفریدگان.

یکی از ثمرات این اندیشه، این است که اگر آفریدگار، عالم مطلق و حکیم و عادل

است، پس آنچه از او صادر شده باید برترین شیء ممکن باشد؛ زیرا اگر کردار آفریدگار ناشی از ذات اوست و ذات او کامل مطلق است، پس آفریده او باید در کامل‌ترین وجه ممکن باشد. از این رو، نظام موجود در هستی، نظام احسن است و بهتر از آن امکان ندارد؛ زیرا اگر ممکن باشد، با علم مطلق و قدرت مطلق و حکمت علی‌الاطلاق آفریدگار در تضاد است. پس نظام موجود، نظام احسن و اصلح است.

بحث نظام احسن در طول تاریخ مورد توجه بسیاری از اندیشمندان بوده است و از چند راه می‌توان به اثبات آن پرداخت؛ از راه عرفان، قرآن و برهان.

آنچه باعث توجه بسیار زیاد به این بحث شده است، اشکالاتی مهم و قابل توجهی است که به سادگی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. مهم‌ترین چیزی که نظام احسن را مورد سؤال قرار داده است، وجود برخی ناملايمات و دردها و رنجهاست؛ ناملايماتی که گاه به اختیار انسان روی می‌دهد و گاه از اختیار انسان خارج است و ناخواسته رخ می‌دهد. مفسد اخلاقی، سیل، زلزله، بیماری، آفت‌ها و بسیاری از مشکلاتی که زندگی را برای آدمی دشوار می‌سازد. گاه برخی آدم‌ها از انتهای قلب می‌خواهند که ای کاش نبودند تا این‌گونه دچار مشکل شوند. تمام این مشکلات را به عنوان «شرور» یاد کرده‌اند و برخی از انسان‌ها گفته‌اند این نظام هستی نظامی عالی نیست. ای کاش نظامی برتر خلق می‌شد و....

اهمیت این اشکال به قدری است که اگر آن را بپذیریم بسیاری از صفات و ویژگی‌های مثبت آفریدگار مانند علم، حکمت، عدل، فیاضیت و... را مورد خدشه قرار داده‌ایم که در این صورت، آفریدگاری چندان جذاب و دوست‌داشتنی نداریم. آفریدگاری که یا قصد اذیت و رنج دادن به مخلوقات را دارد یا از بی‌علمی و ناتوانی، مخلوقات را دچار مشکل کرده است.

پس بحث شرور بحثی بسیار مهم است که بسیاری از فلاسفه، کم و زیاد به آن پرداخته‌اند.

ما در این نوشتار برآنیم که نظام احسن را از طریق برهان اثبات کرده و شبهه شرور را مورد بررسی قرار دهیم. از آفریدگار توانا و مهربان می‌خواهیم که قلب ما را برای پذیرش اندیشه‌های ناب و درست آماده کند تا با بهره‌گیری از عرفان و برهان آموزه‌های قرآن را بپذیریم و به سر منزل مقصود دست یابیم.

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام  
سید علی شاه چراغ  
۱۳۸۵ ش

فصل نخست

کلیات

## تبیین موضوع

آنچه در این نوشتار مورد کنکاش قرار می‌گیرد، شالوده مجموعه هستی است. هرچند در این بحث، هستی آفریده شده موضوع بحث است؛ اما با نگاه عمیق و تأثیر متقابل علت و معلول در تبیین صفات یکدیگر، می‌توان مجموعه نظام هستی را مورد توجه قرار داد.

نکته در خور توجه این است که این موضوع اختصاص به علم و دانش خاصی ندارد. هر دانشی با روش خاص خویش و محدوده مطالعاتی‌اش می‌تواند به بررسی چگونگی نظام هستی بپردازد. در دانش‌های طبیعی مانند شیمی، فیزیک، بیولوژی و... می‌توان هستی محسوس را مورد کنکاش قرار داد و در دانش‌های ماوراء طبیعی به موجودات معقول پرداخت. هر دانشی با محدوده تحقیقاتی‌اش می‌تواند نسبت به نظام هستی نظر دهد. افزون بر این، خاستگاه اصلی این موضوع ادیان آسمانی است. در همه ادیان، کیفیت نظام هستی مورد عنایت است. در جای جای قرآن اشارتی به چگونگی نظام هستی رفته است.

اگر بخواهیم به صورت گذرا موضوع این نوشتار را بیان کنیم می‌گوییم: مجموعه هستی آفریده شده در بهترین و برترین وضعیت ممکن قرار داد. مراد از مجموعه هستی یا به تعبیر دیگر، نظام را در آینده مورد بررسی عمیق قرار خواهیم داد. نظام که در

بدو نظر معنایی روشن دارد، با نگاه عمیق، شاخه‌های گوناگون می‌یابد؛ نظام علمی و نظام عینی، نظام کلی و نظام جزئی و....

اینکه مراد از برتر بودن و بهتر بودن و به تعبیری، احسن بودن نظام هستی چیست، کمی ابهام دارد. شاید در نگاه ابتدایی به ذهن برخی خطور کند که منظور از اینکه نظام هستی نظامی برتر و احسن است، این است که هیچ نقصی در آن راه ندارد؛ نظامی است کامل و در نهایت کمال. دوام این دیدگاه بسیار گذراست؛ زیرا با وجود برخی نواقص و ناملايمات و کاستی‌ها، این ادعا ابطال می‌گردد. برای فهم معنای احسن بودن، دانستن چند نکته ضروری است. ۱) نظام هستی دارای مراتب است؛ از مرتبه عقول و مجردات تا آغاز و به مرتبه مادیات پایان می‌پذیرد؛ ۲) نظام هستی در مرتبه مجردات، نظامی است ثابت که همه کمالات ممکن را بالفعل داراست. پس در این نظام، هیچ ناملايماتی رخ نمی‌دهد. البته نقص وجودی در همه مراتب هستی آفریده شده وجود دارد که این نقص مورد بحث ما نیست و به عنوان اشکال مطرح نمی‌شود؛ ۳) نظام هستی در مرتبه ماده، بخشی از هستی است که نسبت به سایر مراتب کوچک و ناچیز است؛ اما اهمیت آن بسیار زیاد است. عالم مادیات، عالم حرکت و پویا به سوی کمالات است. کمال‌طلبی در ذات مادیات است. مادیات استعداد و قابلیت برخی کمالات را دارند و برای شکوفا کردن این قابلیت‌ها باید در تکاپو باشند. برخی به کمال دست می‌یابند و برخی بی‌نصیب می‌مانند. عالم ماده، دار ناملايمات و کاستی‌هاست و چون همه موجودات در حرکت‌اند، دار تزاخم و تصادف نیز هست.

اینجاست که احسن بودن به معنای یاد شده مورد انکار قرار می‌گیرد. پس مراد از احسن بودن چیست؟ همان‌طور که گفتیم نظام هستی در مرتبه مجردات، نظامی احسن است؛ چون ناملايمات در آنجا رخ نمی‌دهد و در مرتبه مادیات دار تزاخم است. البته اینکه می‌گوییم دار تزاخم است به این معناست که در آن تزاخم رخ می‌دهد؛ اما اگر خوبی‌ها و دست یافتن‌ها را نسبت به بدی‌ها و محرومیت‌ها بسنجیم، نسبت زیاد و در

خور توجهی است. اما به هر حال، ناملايمات در آن هست. اين ناملايمات را «شور» می‌نامند که به عنوان اشکال و شبهه‌ای پرمخاطره، بسیاری از اصول بنيادين دين‌مداران را مورد تردید قرار داده است. ما در پایان این نوشتار به تحلیل این شبهه خواهیم پرداخت؛ اما در اینجا برای روشن شدن معنای احسن بودن به ذکر یک نکته بسنده می‌کنیم که این ناملايمات و کاستی‌ها لازمه جدایی‌ناپذیر عالم ماده است. برای رفع نقص‌ها و کاستی‌های عالم ماده باید حرکت به سوی کمال را از آن عالم برداشت و عالم ماده را به عالم مجردات تبدیل کرد. در این صورت، باید از وجود چنین موجوداتی که کمالات را بالقوة دارند و برای نیل به آن در حرکت‌اند، چشم پوشید. نبود عالم ماده با همه نقص‌ها و کاستی‌هایش، با برخی صفات آفریدگار هستی مانند دوام فیض و جود ناسازگار است. پس عالم با همه مراتبش باید تحقق یابد. حال به تصویری از معنای احسن بودن نظام هستی دست می‌یابیم. مراد از احسن بودن در اینجا این است که نظام هستی بهترین شکل ممکن را داراست. کلمه «ممکن» را باید بیشتر مورد توجه قرار داد. نظام عالم ماده به بهترین شکل ممکن وجود یافته است. شاید بتوان بهتر از آن را فرض کرد؛ اما عقل به کیفیت بهتر از آن حکم نمی‌دهد؛ زیرا همان‌طور که گفتیم، بهتر از آن، همان عالم مجردات است که وجود دارد و اگر عالم ماده به مجردات تبدیل شود، انقلاب در ذات لازم می‌آید و از سوی دیگر دوام فیض آفریدگار نیز مورد نقض قرار می‌گیرد. پس در این نوشتار، در پی آنیم که اثبات کنیم نظام هستی بهترین و برترین کیفیت ممکن را که عقل تأیید می‌کند داراست.

### روش پژوهش

گفتیم که بررسی نظام هستی و رابطه بین پدیدگان و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها در بسیاری از دانش‌ها قابل انجام است. در علوم طبیعی می‌توان با روش تجربی و آزمایشگاهی به چگونگی رابطه بین اشیاء پرداخت و پس از تکرار تجربه به قانون کلی



دست یافت و در نهایت، به اثبات و یارداً احسن بودن نظام اشیاء رسید. در ادیان آسمانی به چگونگی نظام هستی اشارت‌هایی رفته است که پذیرش آنها مترتب بر چند پیش‌فرض است.

ما در این نوشتار با روش عقلی - تحلیلی به بررسی نظام هستی می‌پردازیم. برهانی که بر اثبات نظام احسن اقامه خواهیم کرد، برهانی لمّی است؛ یعنی از علت به معلول رسیدن. روش ما در این بحث، فلسفی است و تلاش کرده‌ایم فلسفه صدرایی را اصل قرار داده و بر مبنای آن به چگونگی نظام هستی بپردازیم و در مواردی نکاتی هماهنگ که چندان اختلافی نیست، از سایر مکتب‌های فلسفی بیان کرده‌ایم.

### اهمیت موضوع

بحث نظام احسن از زاویه‌های گوناگون دارای اهمیت است. انسان‌ها در سطح‌های مختلف از نظر اندیشه و باورهای دینی به تکاپو در این بحث می‌پردازند. دین‌باوران که نظام هستی را نظامی نیکو و دل‌انگیز می‌دانند، به آفریننده‌ای نیکوتر و دل‌انگیزتر معتقد می‌شوند. فیلسوفان و متفکران الهی که به آفریدگاری توانا و دانا و خیرخواه اعتقاد دارند، جهان هستی را برترین نظام ممکن می‌دانند. از آن سو، برخی از انسان‌های دین‌دار به خاطر برخی ناملایمات و کاستی‌ها در برتر بودن نظام هستی تردید می‌کنند و گاه ناخودآگاه در برخی صفات پروردگار با شک می‌نگرند و برخی فیلسوفان و متفکران، به‌ویژه غربیان با دست‌آویزی به ناملایمات و بلایا و مفسد طبیعی و اخلاقی آشکارا به انکار برخی صفات آفریدگار متعال پرداخته و گاه اصل وجود خداوند را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهند.

کنکاش در چگونگی نظام هستی به‌اندازه‌ای دارای اهمیت است که می‌تواند تأثیر شگرفی در نوع نگاه آدمی به زیستن در این جهان داشته باشد. اگر جهان هستی را دارای نظامی احسن بدانیم، وجود ناملایمات و کاستی‌ها را نه‌تنها می‌توان دارای حکمت

دانست، بلکه می‌توان فایده‌ها و ثمره‌های بی‌شماری برای آن‌ها قائل شد. در این صورت است که ادامه زندگانی هرچند در دام بلایا و مصیبت‌ها نه آنکه سخت نیست، بلکه می‌تواند شیرین و گوارا نیز باشد.

در باب مفاسد اخلاقی که در حوزه عملکرد انسانی روی می‌دهد نیز اگر قائل به نظام احسن باشیم، می‌توان به گونه‌ای به تحلیل پرداخت که نبودشان را نوعی نقص و کاستی دانست. طبق نظام احسن، آدمیان که در عالم طبیعت، گرفتار ماده‌اند، برای رسیدن به کمال می‌کوشند و کسی در این راه پیروز است و به مقصد می‌رسد که با بهره‌گیری از عقل، از بند هوس‌ها و میل‌های این سویی رهایی یابد. پس رسیدن به مقصود آنگاه دارای ارزش و قداست است که کشاننده‌هایی آدمی را از پیمودن به سوی آن باز دارد و اگر هیچ هوس و میل این سویی نباشد و آدمی توانایی انجام امور زشت را نداشته باشد، پس راهی جز به سوی خوبی‌ها نیست. در نتیجه، کشمکش‌های درونی انسان در میل به خوبی‌ها و بدی‌هاست که ارزشی بس مهم برای رسیدن به کمال را رقم می‌زند. پس کاوش در چگونگی نظام هستی و پذیرفتن نظام احسن و یارِ دَآن، تأثیر شگرفی در جهان‌بینی و ایدئولوژی آدمی دارد.

### پیشینه بحث

با توجه به اهمیت و تأثیر بسزای بحث نظام احسن در نوع نگرش به هستی و برگزیدن راه و روشی برای بهتر زیستن، اندیشمندان و فیلسوفان از دیرباز به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در جای جای کتاب‌های آسمانی و گفته‌های دین‌مداران، عنایت به این موضوع موج می‌زند. در قرآن شریف، خداوند پس از بیان خلقت انسان می‌فرماید: ﴿...فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>۱</sup> و قطعاً از احسن خالقین، احسن امور صادر می‌شود. در جای دیگر به آفرینش همه نظام هستی اشاره می‌کند و درباره ذات اقدس اله

می فرماید: ﴿ذَلِكَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ... ۱)؛ خداوندی که به نیکوترین شکل هر شیئی را خلق کرده است. در جای دیگر می فرماید: ﴿...صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ...﴾؛<sup>۲</sup> این آیه یکی از روشن ترین و شفاف ترین آیات قرآن در کیفیت نظام هستی است. جهان آفرینش، صنوع و ساخته خداوند است؛ خداوندی که هر شیئی را در محکم ترین و متقن ترین شکل آفریده است. فیلسوفان و متفکران شرق و غرب از دیرباز به این موضوع پرداخته اند. برخی نظام هستی را برترین و نیکوترین نظام ممکن دانسته و گروهی آن را نظامی معیوب و عده ای آن را پر از کاستی ها و ناملازمات دانسته اند.

بحث نظام احسن مترتب بر چند بحث بنیادی تر و مبنایی تر است. از این رو، اندیشمندانی که آفریدگار هستی را دانا و توانای مطلق و خیرخواه محض می دانند، احسن بودن نظام هستی را امری مسلم می پندارند و آنچه اینان را به این بحث می کشاند اشکالات و شبهاتی است که در این باره مطرح گردیده است. در آثار فیلسوفان اسلامی از فارابی تا ملاصدرا بیش از چند سطر و یا چند برگ به بحث نظام احسن پرداخته نشده است و آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است «شبهه شرور» است که احسن بودن نظام هستی را مورد تردید قرار می دهد. سیر حکمت در غرب نیز همین گونه است. موافقان و مخالفان احسن بودن نظام هستی بیشتر به بحث درباره شرور پرداخته اند. مخالفان با تمسک به شرور، نظام هستی را زیر سؤال برده اند و موافقان به توجیه شرور پرداخته اند.

پس پیشینه بحث نظام احسن و شرور هم زمان است و هر جا سخن از یکی به میان آید، دیگری نیز ناخواسته به بحث کشیده می شود.

ما در ابتدای بحث شرور پیشینه آن را بیان می کنیم و در اینجا از تکرار آن چشم می پوشیم.

### قلمرو و جایگاه بحث نظام احسن

گفتیم که بحث نظام احسن یکی از مباحث مهم فلسفی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. آنچه ذکرش لازم است این است که مراد از نظام در اینجا کلّ نظام مخلوقات است؛ به تعبیر دیگر همه عوالم را در بر می‌گیرد؛ از عالم عقول تا عالم ماده؛ از مجردات تا مادیات.<sup>۱</sup> پس مراد از نظام احسن این است که هستی آفریده شده در بهترین و برترین شکل ممکن قرار دارد و تحت هیچ شرایطی خلق برتر و بهتر از آن امکان ندارد.

این بحث در فلسفه مبتنی بر چند مسئله است که تشکیک در هر کدام از آنها آن را با مشکل روبه‌رو می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم اولین و مهم‌ترین بحث در فلسفه، اثبات و پذیرش اصل وجود و انکار سفسطه است؛ اینکه هستی هست و واقعی است نه پنداری. دیگر آنکه این هستی دارای نظام علی و معلولی است و علت نیز دارای مراتب است که در نهایت به *علة العلیل* ختم می‌شود. *علة العلیل* آفریننده این هستی است. بحث دیگری که پذیرش آن نقش بسزایی در بحث نظام احسن دارد، بحث وحدت و کثرت است. اگر کسی وجود را دارای وحدت محض بیندارد و معتقد شود که هیچ کثرتی در آن راه ندارد، در این صورت، جایی برای بحث نظام احسن نیست؛ زیرا اگر وجود را دارای وحدت شخصی محض بدانیم و کثرت را به هیچ وجه در آن راه ندهیم، دیگر نظم داشتن معنا ندارد. نظم از نوع رابطه بین اجزاء به دست می‌آید.

ملاصدرا که فلسفه‌اش به وحدت تشکیکی وجود مشهور است، در برخی جاها به وحدت شخصی وجود قائل شده است. ایشان در یکجا می‌فرماید:

فكذلك هِدَانِي رَبِّي بِالْبُرْهَانِ النَّيْرِ الْعَرْشِيِّ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ مِنْ كَوْنِ الْمَوْجُودِ  
وَالْوَجُودِ مَنْحَصَرًا فِي حَقِيقَةٍ وَاحِدَةٍ شَخْصِيَّةٍ لِاشْرِيكِ لَهُ فِي الْمَوْجُودِيَةِ الْحَقِيقَةِ وَلَا  
ثَانِي لَهُ فِي الْعَيْنِ، وَلَيْسَ فِي دَارِ الْوَجُودِ غَيْرُهُ دِيَّارًا، وَكَلَّمَا يَتْرَأَى فِي عَالَمِ الْوَجُودِ إِنَّهُ

۱. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج ۳، ص ۶۰۳.